



علی رضاقلی

جامعه شناسی
نخبه کشی

قائم مقام / امیر کبیر / مصدق



ketabtaala

جامعه‌شناسی نخبه‌گشی

قائم‌مقام • امیرکبیر • مصدق

تحلیل جامعه‌شناختی برخی از ریشه‌های تاریخی
استبداد و عقب‌ماندگی در ایران

علی رضاقلی



نشرنی

سرشناسه: رضایی، علی، ۱۳۳۶ - ۱۴۰۱ • عنوان و نام پدیدآور: جامعه‌شناسی نخبه‌گشی، قائم‌مقام، امیرکبیر، مسدوق، تحلیل جامعه‌شناختی برخی از ریشه‌های تاریخی استبداد و عقب‌ماندگی در ایران / علی رضایی.
• مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۷۷ • نوبت چاپ: چاپ چهل و چهارم، ۱۴۰۱ • مشخصات ظاهری: ۲۲۸ ص.
• شابک: 5-350-312-964-978 • وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا • یادداشت: عنوان، تحلیل جامعه‌شناختی برخی از ریشه‌های تاریخی استبداد و عقب‌ماندگی در ایران. • یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۲۰-۲۲۸]. • موضوع: ۱. نخست‌وزیران - ایران. ۲. استبداد - ایران. ۳. قائم‌مقام، ابوالقاسم بن عباس. ۱۱۹۳-۱۲۵۱ ق. ۴. امیرکبیر، تقی. ۱۲۲۰-۱۲۶۸ ق. ۵. مسدوق، محمد. ۱۲۶۱-۱۳۴۵. • رده‌بندی کنگره: ج ۲ / ر ۶ / ۱۳۲۹ DSR • رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۹۲۲ • شماره کتابشناسی ملی: ۷۸-۲۱۶ م

قیمت: ۶۸۰۰۰ تومان



جامعه‌شناسی نخبه‌گشی

قائم‌مقام / امیرکبیر / مسدوق

(تحلیل جامعه‌شناختی برخی از ریشه‌های تاریخی

استبداد و عقب‌ماندگی در ایران)

علی رضایی

چاپ چهل و چهارم، تهران، ۱۴۰۱، ۳۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی، باختر • چاپ و صحافی: نزال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۲-۳۵۰-۵

نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی معیری، تقاطع خیابان فکوری، شماره ۲۰

کد پستی: ۱۴۱۳۷۱۳۷۷۱، تلفن دفتر نشر: ۸۸۰۲۱۲۱۴، تلفن واحد فروش: ۸۸۰۰۴۶۵۸-۹، شماره: ۸۹۷۸۲۴۶۴

www.nashrency.com • email: info@nashrency.com • nashrency

© تمامی حقوق این اثر برای نشرنی محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

هرکس از این حکایت بتواند دانست
که این چه بزرگان بوده‌اند. و همگان برفته‌اند
و از ایشان این نام نیکو یادگار مانده است.
و غرض من از نبشتن این اخبار آن است تا خوانندگان را
فایده‌یی به‌حاصل آید و مگر کسی را ازین بکار آید.

گزارشی کوتاه

واقعیت این است که اگر کسی این نوشته را با این نام به من می‌داد و می‌گفت آیا واقعاً کاری به صورت روشمند و جامعه‌شناسانه و درخور اسم برگزیده برای عنوان کتاب انجام شده، می‌گفتم نه، ولی با کمی گذشت می‌پذیرفتم. اگر می‌گفت پس چه کاری انجام شده، می‌گفتم یک قدم برداشته شده در مسیری مشخص، و نه بیشتر. علوم انسانی به این شکل وارداتی هستند و می‌باید بومی شوند و برای بومی شدن باید «مسئله» آنها که با آن علم شروع می‌شود، بومی باشد. نخبگان و شکل گردش آن در جامعه غربی، «مسئله» غربی‌هاست. غربی‌ها در جامعه‌شناسی و هم اقتصاد و هم سیاست و هم زیست‌شناسی، بحثی درباره چگونگی گردش نخبگان و برآمدن آنها در بخش بالائی جامعه دارند. در واقع تمامی نظریه‌هایی که به گونه‌ای به رقابت و ماندن افراد در سیاست و اقتصاد و دیگر زمینه‌ها ختم می‌شود به نوعی گزارشی است از واقعیتی که کسانی که قدرت انطباق بیشتری دارند هوش بیشتر و استعداد تواناتری دارند در عرصه سیاست و اقتصاد و فرهنگ... به قله جامعه صعود می‌کنند، و به تعبیری بهترین‌ها بر بلندای برمی‌آیند. بحث نخبگان و برآمدن آنها یک مبحث مفصل در جامعه‌شناسی دارد. در اینجا نخبگان جامعه از بافت اصلی جامعه هستند و همان‌گونه که خواهید دید آنها هستند که به قله جامعه برمی‌آیند، ولی «نخبگان اصلاح» دچار مشکلات

بسیار جدی و اساسی در تمام زمینه‌ها هستند، و هدف اصلی بررسی این کتاب نیز ضمن بررسی جامعه‌شناسانه حاکمیت و رفتارهای اجتماعی، بیشتر بررسی عوامل و موانع برآمدن «نخبگان اصلاح» و رویه نابودکردن آنها توسط هویت‌های جمعی ایرانیان است. در نتیجه ما هم مسئله نخبگان داریم ولی نه به شیوه غرب، بلکه، مسئله بومی است، باید ببینیم چگونه برآمدن و فروافتادن آنها انجام می‌گیرد، که در این کتاب خواهید دید. مثلاً یکی از آنها بلایایی است که «نخبگان اصلاح» می‌باید تحمل کنند، در نتیجه می‌توانیم «نخبه‌کشی» را مسئله‌ای جامعه‌شناختی محسوب کنیم، و مورد بررسی قرار دهیم. طرح خود مسئله مهم است، توفیق در پیشبرد روشمند آن چیز دیگری است.

صمیمانه به خوانندگان عزیز این نوشته عرض می‌کنم که این کار، کتابی ژرف و فرهنگستانی به معنی دانشگاهی نیست. وقتی که برای آن گذاشته‌ام و مدارکی که بر آن استناد کرده‌ام و کتاب‌های مرجع قابل استفاده، همه و همه شاید درخور این نباشد که این نام برارزنده کتاب باشد، کتاب‌های مرجع قابل استفاده و اسناد مورد استفاده همه به راحتی و غنی‌تر از آنچه آورده‌ام می‌تواند تهیه شود. کاری تاریخی که در شأن مورخین است انجام نداده‌ام، مثلاً آنچه را که در مورد امیرکبیر آورده‌ام به تمامی از چهار کتابی که در خصوص ایشان نوشته شده است استفاده کردم و کتاب امیرکبیر و ایران فریدون آدمیت را مأخذ قرار داده‌ام. همین‌طور در مورد دیگران. پس این نوشته هرگز ادعایی در کاوش اسنادی و روشن کردن و به دست دادن گوشه‌های تاریک تاریخ ایران را ندارد. کتاب را برای کتاب‌خوانهای عمومی و دانشجویان دوره لیسانس علاقه‌مند به مسائل امروز و ریشه‌های تاریخی آن نوشته‌ام، البته نگاهی تحلیلی و نو است و شاید برای دیگر علاقه‌مندان نیز سودمند باشد: یک نگاه و یک کاوش، قرار دادن عدم توفیق اصلاحگران در متن اجتماعی آن، بار سنگین اصلاح را از دوش فرد خاص برداشتن و نهادن آن در متن

اجتماعی خود. قدرت سیاسی را نشانیدن در بستر اجتماعی و نشان دادن بستری که نه عزم و نه آمادگی برای پیشرفت در زمینه‌های سیاسی-اقتصادی-اجتماعی دارد مگر آنچه با فشار تمدن صنعتی بر آن تحمیل می‌شود. کاویدن پاره‌ای از مسائل بنیادی، تنها پاره‌ای در این زمینه، و نشان دادن علل آن تا آنجا که میسر بوده است. نشان دادن پاره‌ای از عوامل پایین بودن بهره‌وری نهادمند ایران که دیگر به انگیزه اقتصادی صرف تقویت نخواهد شد، همچنین سابقه تاریخی شکل نگرفتن صنعت و عدم انباشت سرمایه و در عوض توسعه دلالتی، نبودن مبانی و مبادی علوم نوین و عدم توفیق نهادمند شدن جدی آنها، نبودن عناصر مقوم نهادهای جامعه مدنی، همه و همه به صورت تاریخی و سریع در ضمن پرداختن به آن بزرگان و ادای دین به آنها.

دست‌نوشته را به دوستانی دادم خواندند، همگی بر آن بودند که نوعی بینش و نگاه در آن است و مرا به چاپ آن تشویق کردند و گرنه خودم عزم آن را نداشتم، این بدان معنی نیست که گناه را به گردن دیگران بیندازم، بلکه به این معنی است که خودم از آن راضی نبودم. آنچه باعث شد که کتاب را چاپ کنم افزون بر نگرش ویژه به تاریخ ایران، یادآوری و خدمتی هرچند کوچک به بزرگانی است که این کتاب افتخار نام آنها را دارد.

این کتاب را نه سال پیش به مناسبتی نوشتم که نقطه‌نظرهای خود را به صورت کتبی به دوستانی ارائه نمایم که تصور می‌کردند با تغییر یک فرد یا چند نفر و به صورت حاضر و آماده می‌توان تحولات عظیمی در ساختارهای اقتصادی-اجتماعی-سیاسی ایران به وجود آورد که خوانندگان خواهند دید که چنین چیزی از تحلیل‌های این کتاب برنمی‌آید. اصرار داشتم نشان بدهم که در حیات جمعی سیاسی-اقتصادی-اجتماعی ایران، هیچ‌گونه عاملی برای دگرگونی وجود نداشت و هیچ روزنه‌ای که بتواند اندک نور امیدی بتاباند مبنی بر اینکه این ساختار

می‌توانست به سمت نظام‌های جدید تمدنی حرکت کند، در نظام‌های معرفتی و در نظام‌های غیر معرفتی گذشته وجود نداشت. به تمامی تلاش داشتیم که دید چندعاملی را به جای تک‌عاملی بنشانیم. می‌خواستیم با این فکر که اگر امیرکبیر زنده بود یا اگر علیه مصدق کودتا نمی‌شد یا اگر فلانی سرکار بیاید چنین و چنان می‌شود به مبارزه برخیزیم و نشان دهیم که ساختارهای سیاسی-اجتماعی-اقتصادی-فرهنگی تاب تحمل اصلاحات این بزرگان را نداشتند. می‌خواستیم نشان بدهیم که اگر صدبار با استبداد به هر علت گلاویز شویم و آن را تحویل دیگری بدهیم، تا ساختارهای استبدادپرور هستند همچنان به تولید محصول خود خواهند پرداخت و همچنین نکات دیگری که در گزارش خواهید خواند. تلاش کردم هر جا که تجزیه تحلیلی جامعه‌شناختی به کار می‌برم در نهایت سادگی باشد. بر اثر همان فضای نوشتن، پاره‌ای از شناسنامه کتاب‌های مورد استشهاد (چندتایی) را یادداشت نکردم و بعدها هم نتوانستم به دست آورم. در نتیجه نام مرجع آورده شده و صفحه و شناسنامه کتاب که البته به دو الی سه مورد بیشتر نمی‌رسد وجود ندارد.

در این گزارش برای شرح بی‌توفیقی‌های این بزرگان (قائم‌مقام، امیرکبیر و مصدق) و نشان دادن عوامل مختلف آن، به ناچار شرحی نیز از آنچه هم‌زمان آنها در غرب گذشته آورده‌ام. زیرا آنها، هم زیر فشار تمدن غرب و حریفان خارجی بوده‌اند و هم تمدن قبیلگی-سنتی ما. این بزرگان، هم با دشمنان چیره‌دست خارجی و داخلی روبه‌رو بودند و هم می‌خواستند ایران را به قدرت و قوت آن حریفان برسانند. بیشتر دوستانی که دست‌نوشته مرا خواندند به دو نکته اشاره کردند. لازم می‌دانم برای رفع ابهام پاسخ به آن عزیزان را در اینجا بیاورم که برای خوانندگان دیگر، آن دو نکته روشن شود. نخست این‌که می‌گفتند طرح مسئله به این شکل، موجب می‌شود که بعد از خواندن کتاب، حالت یأس به انسان دست بدهد زیرا ابعاد نارسائی‌ها بسیار گسترده و عمیق مطرح شده است. جواب من

این بود که اینهمه برای دادن شناختی است که با واقع انطباق بیشتر داشته باشد و آرمانهای دور از واقع ما را تعدیل کند و شناخت دقیق تر موجب عمل اصلاحی واقع بینانه تر بشود، و ما را هر چند تلخ تر و سخت تر ولی به سرمنزل مقصود که دفع هرچه بیشتر مفسد است برساند، و ابزار واقعی تری برای ساختن این سرزمین اسلامی به دست بدهد و آن جامعه مطلوب مدنی با شناخت و عمل صحیح به دست می آید ولی با آرمانهای بلند دور از شناخت و عمل صحیح نه.

نکته دوّم اینکه می گفتند، به گونه ای بحث شده است که گویا غرب الگوی بی عیب و نقص و مطلوب است. پاسخ بنده در این جا نیز، مشابه مورد بالا، توجه دادن به شناخت غرب است به عوض لعن و نفرین و... آنچه مسلم است ایرانی ها در عمل الگوهای توسعه علمی، نهادهای مدنی، الگوهای مدیریتی، صنعتی و تقریباً حکومتی و همچنین الگوهای مصرفی و در بسیاری از زمینه ها نوع زیستن غربی ها را پذیرفته اند؛ ولی خوش تر می دارند که در بیان آنها را تقبیح کنند.

در خاتمه از همه دوستانی که زحمت کشیدند، دست نوشته را خواندند و نکاتی را یادآور شدند تشکر می کنم، چه آنها که تذکرشان را رعایت کردم چه آنهایی که رعایت تذکرشان خارج از توان کنونی من است و در نتیجه مراعات نتوانستم کرد. در پایان از خوانندگان برای به کارگیری این همه واژه های غیرفارسی بخشش می خواهم و اگر باز نویسی کنم آنها را به پارسی برخواهم گرداند.

فهرست مطالب

گزارشی کوتاه ۷
فهرست مطالب ۱۳
مقدمه ۲۳

ویژگی فرهنگ اقتصادی ایران ۲۹

دوره مغولان و ریشه‌های وابستگی ۳۲
در آستانه قرن شانزدهم ۳۴
حضور اولین دست‌آوردهای صنعتی ۳۶
عدم امنیت ۳۸
وضعیت ایران مقارن با تحولات اروپا ۴۲
تجارت و صناعت داخلی ۴۴
بافت تجارت خارجی و زمینه وابستگی ۴۹
اخراج پرتغالی‌ها توسط انگلیس و ادامه سیاست اقتصاد «درباز» یا اقتصاد «بدون در» ۵۲
سوابق انتقال تکنولوژی ۵۵
افشاریه ۵۶
زندیه ۵۹
توسعه اروپا در زمان قاجاریه، مبانی و قالب‌های اجتماعی آن ۶۰
فوران اختراع و اکتشاف و مبانی اجتماعی آن ۶۴
از زاویه دید معرفت‌شناسی ۷۰
نهضت عقلانی و بدر تردید در عقاید کلیسا ۷۳
آخرین نماز در بامداد جنگ ۷۷
کشیدن سنگ زیرینا ۷۷
دنباله فرهنگ ایران در قرن نوزدهم ۸۷

- آغاز قرن نوزدهم ۹۱
- قبل از قائم مقام ۹۲

میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام ۹۵

- نهاد صدراعظمی ۹۶
- مالیه ۹۸
- سیاست خارجی ۱۰۰
- سؤال از فرهنگ ایران ۱۰۳
- پس از قتل قائم مقام (ششمین نخست‌وزیر) ۱۰۶

میرزا تقی‌خان امیرکبیر اتابک اعظم (هفتمین نخست‌وزیر) ۱۰۷

- آزادی، قانون و امنیت اجتماعی ۱۱۶
- شکنجه، ایران و امیرکبیر ۱۱۸
- فهم امیر از دانش، وسایل ارتباط جمعی و کتاب ۱۲۷
- رسیدگی به وضع مالیه ۱۳۰
- اصلاح دستگاه فاسد اداری ۱۳۵
- سر و سامان دادن ارتش ۱۳۹
- سیاست مذهبی ۱۴۰
- سیاست خارجی ۱۴۱
- تجارت «درپاز و نیمه‌باز» ۱۴۳
- صناعت ۱۴۴
- رابطه امیر و مردم و «تمامی کار» او ۱۵۱
- بوروکراسی مورد نیاز جامعه صنعتی ۱۵۴
- روابط مردم با امیر ۱۵۹
- آخر کار امیر ۱۶۳

از امیر تا مصدق ۱۶۷

- تمدن غرب بدون دخالت ایرانی ۱۶۸
- تجارت خارجی ایران از اوایل قاجاریه تا سال ۱۲۹۳ق/۱۹۱۴م ۱۷۲
- حاصل کار را شماره کنیم ۱۷۴
- دوران پهلوی ۱۷۸
- دولت‌های پهلوی ۱۸۲

- مصدق، الگو بردار امیر ۱۸۶
فهم تشکیلات ۱۹۳
کارشناسی ۱۹۵
دستگاه اجرایی مصدق ایلاتی بود ۱۹۸
نیروی بیکار و تنبل و سریار دستگاه اجرایی ۲۰۰
رقم رمق می‌خواهد ۲۰۱
تلقى مصدق از مردم، مشروطه، قانون و دموکراسی ۲۰۳
این مبارزه است که نامش زندگی است ۲۱۰
وزن اشخاص در جامعه به قدر شدائدی است که در راه مردم تحمل می‌کنند ۲۱۲
شهامت و فسادناپذیری ۲۱۴
حمایت از آزادی و رابطه مردم با قانون ۲۱۵
فهم اقتصادی مصدق ۲۲۱
مقایسه واردات تجاری ۲۲۴
ایرانیان همیشه خوب بوده‌اند و همیشه باید خوب باشند ۲۲۵

یادداشت‌ها ۲۳۰

آنها تغییر و اصلاح در ساخت و بافت جوامع به دست نخبگان و از بالا انجام می‌شود. باید اثر تحول در زمینه و بستر اجتماعی و از پایین؟ در دو سده‌ی اخیر برخی از نخبگان سیاسی ایران می‌خواستند در ساخت و بافت جمععی که بر صدر آن قرار می‌گرفته‌اند اصلاحاتی بکنند و تغییراتی دهند. گرچه اینان در وجدان تاریخی توفیقاتی به‌دست آوردند و نامشان به نیکی بر صفحه‌ی روزگار برجا ماند اما خود قربانی خواسته‌ها و بستر نامساعد اجتماعی شدند. نمونه‌ی بارز آن میرزا تقی‌خان امیرکبیر است و پیش از او میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام و پس از او دکتر محمد مصدق. این سه تن نه در خواست و اراده تنها بودند و نه در نتیجه‌ای که عایدشان شد.

در این کتاب عوامل و عوارض درونی و بیرونی و روشهای بیرون راندن اینان از گود بررسی و سعی شده است عوامل و مولع توسعه‌ی سیاسی و اجتماعی ایران شناخته شود.

ISBN 978-964-352-350-5



9 789643 123505



نشر نی